



Irano-Islamic Research in Politics, Vol.3, No2, 118-164.

Decision-Making Transformations in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran: From Idealism to Realism¹

Hossein Ebrahimnia²

Abstract

The present research investigates the dynamics of decision-making transformations in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran from the onset of the Islamic Revolution, divided into five time periods with a focus on the transition from idealism to realism. The main research question is how and by what factors the changes in decision-making in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran from idealism during the Islamic Revolution to realism in subsequent periods can be interpreted. It seems that the transformations in decision-making in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran from idealism to realism result from dynamic interactions among internal and external factors, changes in international conditions, and direct connections with the economy and domestic development. In other words, it is linked, on one hand, to internal ideological and social factors, and on the other hand, to the impacts of international conditions and the discourse of development and economics. The results indicate that these transformations are not only the result of changes in ideology and internal processes but have also taken shape in response to challenges and new opportunities that have emerged in different periods. The research employs the theoretical three-level decision-making approach of Allison, which can cover a combination of idealism and realism theories, to analyze and elucidate the complex processes of decision-making transformations in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran. The research methodology used is based on the fundamental purpose and a descriptive-analytical and case study approach. Credible historical, political, and economic sources will be utilized to support analyses and arguments. The ultimate goal of the research is to evaluate these transformations with an emphasis on their impacts on the process of foreign policies of the Islamic Republic of Iran.

Keywords Iran, Foreign Policy, Decision-Making, Idealism, Realism.

¹. Received: 07/04/2024; Accepted: 21/05/2024; Printed: 05/08/2024

² Center for Scientific Research and Middle East Strategic Studies.
phd.ebrahimnia@gmail.com



سیاست پژوهی اسلامی ایرانی، سال سوم، شماره دوم (پیاپی دهم) تابستان ۱۴۰۳، ۱۱۸-۱۴۴.

تحولات تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: از آرمان‌گرایی تا واقع‌گرایی^۱

حسین ابراهیم‌نیا^۲
چکیده

تحقیق حاضر به بررسی پویایی تحولات تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از آغاز انقلاب اسلامی، در پنج دوره زمانی که با تمرکز بر انتقال از آرمان‌گرایی به واقع‌گرایی تقسیم‌بندی شده است، می‌پردازد. سؤال اصلی تحقیق این است که چگونه و بر اساس چه عواملی می‌توان تحولات در تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را از آرمان‌گرایی در دوران انقلاب اسلامی به سمت واقع‌گرایی در دوره‌های بعدی تفسیر کرد؟ به نظر می‌رسد تحولات در تصمیم‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از آرمان‌گرایی به واقع‌گرایی به عنوان نتیجه تعامل پویا میان عوامل داخلی و خارجی تحولات، در شرایط بین‌المللی و ارتباط مستقیم با اقتصاد و توسعه داخلی نسبت داده می‌شود. به تعبیر دیگر، از یک سو با عوامل داخلی ایدئولوژیک و اجتماعی و از سوی دیگر با تأثیرات شرایط بین‌المللی و مبحث توسعه و اقتصاد پیوند دارد؛ لذا نتایج نشان از آن دارند که این تحولات نه تنها ناشی از تغییرات در ایدئولوژی و فرایندهای داخلی بلکه به عنوان پاسخ به چالش‌ها و فرصت‌های جدیدی که در دوران مختلف بروز کرده‌اند، شکل گرفته‌اند. تحقیق با استفاده رویکرد نظری سه سطح تصمیم‌گیری آلیسون که می‌تواند ترکیبی از نظریات آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی را پوشش دهد، به تحلیل و تبیین فرایندهای پیچیده تحولات تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. روش پژوهش مورد استفاده بر حسب هدف بنیادی و رویکرد توصیفی-تحلیلی و مطالعه موردی است و از منابع معتبر تاریخی، سیاسی و اقتصادی به منظور حمایت از تحلیل‌ها و استدلال‌ها استفاده خواهد شد. هدف نهایی تحقیق، ارزیابی این تحولات با تأکید بر تأثیرات آن بر فرایند سیاست‌های خارجی جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

واژگان کلیدی: ایران، سیاست خارجی، تصمیم‌گیری، آرمان‌گرایی، واقع‌گرایی.

بیان مسئله

فرآیند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همواره پیچیده بوده است. این فرآیند تحت تأثیر نهادها و ارگان‌های مختلف مانند رهبری، ریاست‌جمهوری، وزارت امور خارجه، شورای عالی امنیت ملی، ارکان قضائی و... قرار دارد که هر یک نقش‌های مهمی در تصمیم‌گیری، تدوین و اجرای تصمیمات اساسی ایفا می‌کنند. ایدئولوژی انقلاب اسلامی و آرمان‌گرایی به عنوان راهنمای اصلی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی عمل می‌کند. همچنین محور آرمایی و تأثیرات رهبری اسلامی به عنوان عوامل مهم در تصمیم‌گیری که تأثیرات ایدئولوژیک را بر سیاست خارجی تحت تأثیر قرار می‌دهند. در این میان در ۴۵ سال گذشته تغییرات در شرایط بین‌المللی و رویدادهای جهانی نیز نقش مؤثری در شکل‌گیری تصمیمات سیاست خارجی داشته و دارند. همچنین فشارهای اقتصادی و تحریم‌ها به عنوان یک متغیر اقتصادی اهمیت دارند و ممکن است تصمیمات را در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی تحت تأثیر قرار دهند. در نهایت، مشارکت عمومی مردم به‌ویژه در انتخابات، در فرآیند تصمیم‌گیری سیاست خارجی ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است.

بنابراین از آنجایی که تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فرآیندی چندوجهی است که تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد، این عوامل را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد؛ عوامل داخلی و عوامل خارجی. عوامل داخلی، عواملی هستند که در داخل ایران و در چارچوب ساختار سیاسی و اجتماعی ایران وجود دارند. از جمله این عوامل می‌توان به این موارد اشاره کرد: مبانی ایدئولوژیک و اعتقادی حاکمیت، توازن قدرت بین نهادهای مختلف سیاسی و اجتماعی و دیدگاه‌ها و منافع نخبگان و مردم. همچنین عوامل خارجی، عواملی هستند که در خارج از ایران و در چارچوب نظام بین‌المللی وجود دارند. از جمله این عوامل موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک ایران، شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی و قدرت‌های بزرگ و بازیگران منطقه‌ای است.

بر همین مبنا لازم به توضیح است که فرایند کلان تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، به‌طور کلی از مراحل زیر تشکیل شده است:

نخست، شناسایی و ارزیابی تهدیدات و فرصت‌ها؛ دوم، تعیین اهداف و اولویت‌ها؛ سوم، تحلیل گزینه‌های مختلف؛ چهارم، اتخاذ تصمیم؛ پنجم، اجرای تصمیم. اما در حقیقت کلیت این فرایند در دوره‌های زمانی مختلف همراه با نوساناتی میان اثر آرمان‌گرایی تا واقع‌گرایی بوده است. این نکته از آن جهت دارای اهمیت است که در هر یک از این مراحل، عوامل داخلی و خارجی مستقیم و غیرمستقیم اثرات خود را بر جای گذاشته‌اند، اما نقش و تأثیر هر یک از آنها در تصمیم‌گیری متفاوت بوده است. در حقیقت این اثرگذاری سبب شده فرایند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، در طول سال‌های گذشته، خصوصاً از اواسط دهه ۱۳۸۰ به بعد دچار تغییراتی شود. برای مثال در دهه‌های اول پس از انقلاب، تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ایران بیشتر در کنترل نهادهای مذهبی و نظامی بود. با این حال، در سال‌های اخیر، بازیگران دیگری مانند نهادهای دولتی و غیردولتی نیز در فرایند تصمیم‌گیری سیاست خارجی ایران نقش بیشتری ایفا کرده‌اند؛ این امر سبب شده که فرایند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ایران به سمت انعطاف‌پذیری و اتکا بر واقعیت‌های عینی حرکت کند.

با توجه به این مقدمه، پرسش اصلی پژوهش می‌تواند این‌گونه طرح شود که چگونه و با چه عواملی می‌توان تحولات در تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را از آرمان‌گرایی در دوران انقلاب اسلامی به سمت واقع‌گرایی در دوره‌های بعدی تفسیر کرد؟ در حقیقت این پرسش تلاش دارد به اجزای مختلفی از تحولات سیاست خارجی ایران اشاره کند، از جمله تغییر در ایدئولوژی، شرایط بین‌المللی، اهداف ملی و عوامل داخلی که ممکن است در این تحولات نقش داشته باشند. این پرسش زمینه‌ای می‌شود تا فرایندها و اتفاقات کلان در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به چشم‌گسترده‌تری مشاهده و تحلیل شود. در پاسخ به این پرسش، این فرضیه مطرح است که تحولات در تصمیم‌گیری سیاست خارجی

جمهوری اسلامی ایران از آرمان‌گرایی به واقع‌گرایی به عنوان نتیجه تعامل پویا میان عوامل داخلی و خارجی، تحولات در شرایط بین‌المللی و ارتباط مستقیم با اقتصاد و توسعه داخلی نسبت داده می‌شود. به تعبیر دیگر، این فرضیه بر اساس تعاملات پیچیده چند عامل اصلی را مدنظر قرار داده و بر آن تأکید کرده است. این عوامل نخست عامل تعامل داخلی که تأثیر افکار ایدئولوژیک، سیاسی و اجتماعی در تصمیم‌گیری‌های داخلی، نقش نهادها، گروه‌ها و تغییرات در اولویت‌ها و اهداف ملی است. دوم، شرایط بین‌المللی که تحولات در منطقه و جهان، تأثیرات تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی بر تصمیم‌گیری‌هاست. سومین عامل اقتصاد و توسعه است که تأثیر شرایط اقتصادی و توسعه در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی به‌ویژه در دوره‌های واقع‌گرایی که خط محوری فرایند سیاست خارجی بوده است، تأکید بر توسعه اقتصادی بیشتر مشهود است. چهارمین عامل، نوسانات ایدئولوژیک که تغییرات در ایدئولوژی و نگرش‌های سیاسی که ممکن است در پاسخ به چالش‌ها^۱ و فرصت‌های جدید ایجاد شود. در حقیقت این فرضیه سعی دارد جوانب مختلف و پیچیدگی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ایران را به چشم گسترده‌تری مشاهده کرده و به تبیین تحولات این سیاست از آرمان‌گرایی به واقع‌گرایی کمک کند.

در این پژوهش، بر حسب هدف بنیادی و رویکرد توصیفی-تحلیلی، بر مبنای محور موضوعی مطالعه موردی است. توجه این پژوهش، شناخت تحولات تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از آرمان‌گرایی تا واقع‌گرایی در پنج مقطع مهم است. چارچوب نظری در سه سطح تصمیم‌گیری آلیسون که می‌تواند ترکیبی از نظریات آرمان‌گرایی، واقع‌گرایی، منطقه‌گرایی و رقابت سیاسی را پوشش دهد، به تحلیل و تبیین فرایندهای پیچیده تحولات تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد؛ لذا با بهره‌گیری از ابزارهای مطالعات کیفی یعنی بهره‌گیری از گردآوری و مطالعه منابع چاپی، اسناد سیاسی و تاریخ سیاست خارجی در ۴۵ سال گذشته، روایت‌های سیاسی و تاریخی، تحلیل‌ها و تفسیرها

۱. ازجمله این چالش‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱. تعارض بین منافع و دیدگاه‌های مختلف؛ ۲. عدم شفافیت در فرایند تصمیم‌گیری؛ ۳. تأثیرگذاری عوامل خارجی.

و... که در آرشیوهای کتابخانه‌های حقیقی، مجازی و وبگاه‌های اطلاعاتی در ارتباط با موضوع پژوهش موجود هست و در محور زمانی جمهوری اسلامی ایران به بررسی فرایندهای تصمیم‌گیری در سیاست خارجی و سپس تشریح، تفسیر و تحلیل به سؤالات پژوهش پاسخ داده و به چرایی تغییر رویکرد از آرمان‌گرایی تا واقع‌گرایی می‌پردازد.

ادبیات و پیشینه پژوهش

پژوهش‌های گوناگونی تاکنون در حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران انجام شده و اغلب به بررسی چالش‌ها، تحولات و متغیرهای مختلف در این زمینه پرداخته شده است. مطالعات پژوهشی در این حوزه از زوایای مختلف به تحلیل عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری سیاست خارجی پرداخته‌اند. پژوهشگران حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی اغلب تلاش داشته‌اند از دیدگاه‌های مختلفی به این موضوع بپردازند که از آن جمله می‌توان به روح‌اله رضایی اشاره کرد که نگاه تاریخی و تحلیلی به این موضوع داشته است. دهقانی فیروزآبادی از دریچه نظریات روابط بین‌الملل سیاست خارجی ج.ا.ا را تحلیل کرده است. ازغندی از دیدگاه هویتی به موضوع سیاست خارجی پرداخته و معتقد است دکترین صدور انقلاب مربوط به مقطع خاصی از تاریخ انقلاب اسلامی بوده و در مقاطع بعدی پایان‌یافته تلقی می‌شود و همچنین معتقد است اغلب دکترین‌ها در سیاست خارجی جمهوری اسلامی بیشتر ماهیتی توجیه‌کننده برای اقدامات قبلی دارند و نه راهنمای اقدامات بعدی.

در میان رویکرد پژوهشگران خارج کشور، شیرین هانتر^۱ در کتاب «سیاست خارجی ایران در دوران پس از شوروی: مقاومت در برابر نظام جدید بین‌المللی»^۲ از این دیدگاه تحلیل می‌کند که سیاست خارجی ایران پس از انقلاب چگونه روابط خود را با کشورها و مناطق کلیدی تنظیم کرده و این

1. Shireen T. Hunter

2. "Iran's Foreign Policy in the Post-Soviet Era: Resisting the New International Order"

موضوع چه تأثیری بر وضعیت داخلی ایران دارد. توماس جونو^۱ در کتاب «سیاست خارجی ایران از سال ۲۰۰۱ به بعد»^۲ تحلیل می‌کند که چگونه عوامل کلیدی مانند قدرت، فرهنگ استراتژیک و ایدئولوژی و متغیرهای پشت پرده بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تأثیر می‌گذارد. بنابراین با تفاسیر فوق‌لازم به ذکر است که در ادبیات پژوهشی در این حوزه مطالعاتی می‌توان چند دسته‌بندی را در نظر گرفت که عبارت‌اند از:

دسته نخست، پژوهش‌هایی که به بررسی تأثیر انقلاب اسلامی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تأکید داشته‌اند؛ اغلب این پژوهش‌ها عمدتاً به بررسی تغییرات در الگوها و اولویت‌های سیاست خارجی ایران پس از انقلاب پرداخته‌اند.

دسته دوم، مطالعاتی که در زمینه روابط با کشورهای همسایه و منطقه‌ای به تحلیل تأثیرات سیاست‌های خارجی جمهوری اسلامی ایران بر استقرار و تداوم روابط با کشورهای منطقه پرداخته‌اند.

دسته سوم، پژوهش‌هایی که عمدتاً به تحلیل تغییرات و تحولات در سیاست خارجی ایران در دهه‌های پس از جنگ ایران و عراق، اصلاحات و دوره جدید اقتصادی پرداخته‌اند و تأکید زیادی بر این دوره خصوصاً مسئله توسعه اقتصادی داشته‌اند.

دسته چهارم، مطالعاتی که در زمینه فشارهای بین‌المللی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران انجام شده است؛ این تحقیقات به تأثیرات اقتصادی و سیاسی فشار تحریم‌ها و پاسخ‌های ایران به آنها می‌پردازند.

1. Thomas Juneau

2. "Iranian Foreign Policy Since 2001"

دسته پنجم، تحقیقات پژوهش‌هایی که به بررسی تعاملات و روابط ایران با جامعه بین‌الملل و نقش این کشور در تحولات منطقه‌ای و جهانی می‌پردازند.

و در نهایت دسته ششم، تحقیقاتی که به فرایندهای تصمیم‌گیری، ارزیابی، تحلیل‌ها و نقدها به سیاست‌های خارجی از گذشته تا امروز جمهوری اسلامی ایران می‌پردازند.

در حقیقت پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه به توسعه دانش درباره چالش‌ها، تحولات و الگوهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران کمک کرده‌اند و ادامه تحقیقات در این حوزه دارای اهمیت و ضرورت فراوان است. در همین خصوص با توجه به موضوع، به چند پژوهش مرتبط در جدول شماره ۱ اشاره شده است:

جدول شماره ۱. خلاصه پیشینه و ادبیات پژوهش

* نویسنده	سال انتشار	عنوان	نتیجه
۰۱ علی باقری دولت‌آبادی	۱۴۰۰	کتاب: سیاست خارجی ایران	نویسنده معتقد است یکی از نقدهای جدی به تحقیقات پیشین در زمینه سیاست خارجی ایران این بوده که بی‌توجهی به پیوستگی و ارتباط بین سیاست خارجی و داخلی این کشور است.

وی تلاش کرده به

منظور

پوشش‌دادن این

ضعف، به نظریه

پیوستگی جیمز

روزنا روی آورد و

سیاست خارجی

ایران را از این

منظر و با تمرکز بر

متغیرهای فرد،

جامعه، نقش،

حکومت و نظام

بین‌الملل، مورد

بررسی قرار دهد.

علاوه بر این، سه

ویژگی تمایزآفرین

این کتاب شامل

تبیین جامع‌تر و

جامع‌تر سیاست

خارجی دولت

موقت نسبت به

آثار پیشین،

تشریح سیاست

خارجی دولت

بنی‌صدر و

اختلاف

دیدگاه‌های او با

شهید رجایی در

بحث سیاست

خارجی و ترسیم



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سیاست خارجی
ایران از آغاز تا
انتهای دولت
دوازدهم بر اساس
نگاه درون‌گرا به
بیرون‌گرا است.

۰۲	قدرت احمدیان و همکاران	۱۳۹۸	مقاله:	نویسندگان به دنبال مطالعه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با رویکرد رئالیسم فرهنگی آلستیر جانستون بوده‌اند؛ نتایج این پژوهش نشان می‌دهد یک نوع همخوانی آشکار میان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و رئالیسم فرهنگی جانستون دیده می‌شود. بر این اساس، تمایلات استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه خاورمیانه تابعی از فرهنگ استراتژیک و رئالیسم فرهنگی و
----	------------------------------	------	--------	--



همچنین تحت تأثیر
تمایل این کشور
برای کسب جایگاه
در سیستم بین‌الملل
است.

<p>نویسندگان مقاله: با تمرکز بر سال‌های ۱۳۳۲- ۱۳۴۲ به یکی از ویژگی‌های روابط خارجی ایران در دوره پهلوی دوم پرداخته‌اند. فرهنگ سیاسی برآمده از گفتمان پهلویسم متشکل از عناصر شاه‌محوری، اقتدارگرایی، عدم امنیت و تجددگرایی، سبب گسترش روابط با بلوک غرب و تشدید وابستگی ایران در آن دوره شد. در واقع، ترکیب عناصر یادشده به معنای آن بود که شاه تنها تصمیم‌گیرنده سیاست خارجی در</p>	مقاله:	۱۳۹۳	عبدالامیر نبوی و رادفر	۰۳
---	--------	------	---------------------------	----

این مقطع باشد و دیگر نخبگان سیاسی هم درنهایت، با این وضعیت هماهنگ و همسو شوند. برای این منظور نویسندگان از تحلیل گفتمانی استفاده کرده و پس از تحلیل ارکان گفتمانی پهلویسم نسبت به بررسی سازوکارهای ارتباطی آن بر روی فرهنگ سیاسی جامعه اقدام کرده‌اند.



نویسندگان به	کتاب:	۱۳۹۲	جواد	۰۴
بررسی سیاست‌های خارجی جمهوری اسلامی ایران	نظام بین‌الملل		اطاعت و همکاران	
به‌خصوص در مقابل ایالات متحده آمریکا در طول تاریخ، موقعیت جغرافیایی کشور و تأثیر آن بر روابط بین‌الملل و امنیت و همچنین روابط با کشورهای				

همسایه پرداخته
 شده است. در این
 حوزه چند عامل
 مهم نقش ایفا
 خواهند کرد.
 تصمیم‌سازان و
 تصمیم‌گیرندگان
 متأثر از میزان دانش
 و آگاهی، عواطف و
 احساسات، اصول
 اخلاقی، منظومه
 فکری و جهان‌بینی،
 موقعیت و شرایط
 خاص تصمیم‌گیری
 و مهم‌تر از آن
 گفتمان حاکم بر
 نظام بین‌المللی
 باعث رویکردهای
 مصلحت‌محور یا
 واقع‌گرا،
 ارزش‌محور یا
 آرمان‌گرا،
 منفعت‌محور یا
 عمل‌گرا و... که
 ممکن است به
 شیوه‌های متفاوتی
 همچون اتحاد و
 ائتلاف، بی‌طرفی
 منفی یا انزواگرایی،
 بی‌طرفی مثبت،



سیاست
تجدید نظر طلبانه،
اعتراضی و... به
منصبه ظهور برسد و
کشور ایران نیز از
این قاعده مستثنا
نیست.

نویسنده	کتاب:	۱۳۹۱	جلال	۰۵
کتاب به شرح فرایند سیاست گذاری خارجی دولت جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. پژوهش حاضر با هدف واکاوی علل و عوامل تغییر و تداوم توأم رویه‌ها و رفتارهای دولت‌های نهم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تدوین شده است. این پژوهش تلاشی در راستای تبیین منابع هویت‌ساز سیاست خارجی جمهوری اسلامی و زمینه‌سازی درک دغدغه‌های ماهوی	سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران اصولگرایی		دهقانی فیروزآبادی	

کشور برای
تحلیلگران خارجی
است. علاوه بر این
با توجه به اینکه
سیاست خارجی
ایران در طول
حاکمیت
اصولگرایان در عین
تداوم دارای تغییر و
تحولات رفتاری
زیادی بوده، فرایند
هویت‌یابی سیاست
خارجی دولت‌های
نهم و دهم تجزیه و
تحلیل شده است.

نویسنده در کتاب با نگاه آموزشی در ۹ فصل به تشریح و تحلیل سیاست خارجی ایران پرداخته است؛ همچنین در مقدمه بحث به معضلات تدریس درس سیاست خارجی نیز اشاراتی داشته است. دیدگاه تحلیلی کتاب رویکرد کلاسیک به سیاست خارجی	کتاب: درآمدی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران	۱۳۸۶	بیژن ایزدی	۰۶
--	---	------	------------	----

بوده است.
 نویسنده تلاش دارد
 در سراسر کتاب این
 موضوع را تشریح
 کند که برای همه
 بازیگران نظام
 بین‌الملل در
 سیاست خارجی
 آنچه اهمیت دارد،
 مسئله منافع ملی
 است؛ اما در نهایت
 نویسنده موفق
 نشده که بیان
 اهداف ملی ج.ا.ا را
 مشخص کند.

چارچوب نظری

نظریات تصمیم‌گیری که از اوایل قرن بیستم مورد توجه قرار گرفتند. این نظریات ابتدا در حوزه اقتصاد بودند و سپس به تمرکز بر امور سیاسی و واقع‌گرایی پیوستند. مدل‌های ریاضی برای حل مسائل تصمیم‌گیری کارگزاران کارآمد نبودند و مسائل به سادگی قابل تعریف نبوده یا معادلات بلند و پیچیده‌ای داشته‌اند. پس از پیشرفت‌های زیاد در علوم تصمیم‌گیری، به این نتیجه رسیدند که مدل‌های پیچیده به حدی می‌رسند که حل آنها ممکن نیست یا ساده‌سازی نمی‌پذیرند (Allison G, 1999). در این میان برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری شهودی به دلیل مفید بودن در مواجهه با مسائل پیچیده و عدم قطعیت در تصمیم‌گیری به وجود آمد و به عنوان یک راه‌حل شهودی و مکاشفه‌ای برای حل مسائل تصمیم‌گیری معرفی شد. بنابراین تصمیم‌گیری به عنوان یک پروسه سیاسی با توازن بین عوامل و محدودیت‌های اطلاعاتی و زمانی توصیف و مطرح شده که در حقیقت نیاز

به تحقیق و چانه‌زنی در مسائل پیچیده دارد. به تعبیر دیگر، تصمیم‌گیری شهودی به نوعی تصمیم‌گیری رفتاری است و انسان در مواجهه با محدودیت‌های اطلاعاتی و زمان، از روش‌های شهودی برای حل مسائل استفاده می‌کند (Allison G, 2004). در حقیقت تصمیم‌گیران متوجه می‌شوند که تصمیم‌گیری یک مسیر سیاسی باید توازن مناسبی بین عوامل مختلف مثل اهداف، اطلاعات و زمان داشته باشد. از همین رو، نقش مذاکرات و چانه‌زنی در این پروسه بسیار مهم قلمداد می‌شود. در این فرایند تصمیم‌گیری نه تنها یک فرایند منطقی، بلکه یک روند سیاسی نیز هست که تعامل بین عوامل مختلف را دربر می‌گیرد. همچنین تصمیم‌گیران ممکن است که به تجربیات و مکاشفات خود اعتماد کرده و در مواقعی که اطلاعات کاملی در دسترس نیست، از راهکارهای شهودی و تجربی بهره‌مند شوند (Allison G, 1999).

مدل تصمیم‌گیری سه‌سطحی گراهام آلیسون، سه سطح تصمیم‌گیری را به تفصیل مورد بحث قرار می‌دهد؛ در سطح اول، تصمیم‌گیرنده به عنوان انسان عقلانی کامل معرفی می‌شود که تصمیمات خود را بر صحت تأکید و ارزیابی می‌کند و به دنبال حداکثرکردن مطلوبیت و تأمین ارزش‌های مورد نظر خود است. این مدل در ابتدا به عنوان مدل کلاسیک اقتصادی نیز شناخته می‌شد و سپس وارد سیاست شد (Allison G, 1999). در حقیقت مدل عقلانیت مبتنی بر این فرض است که تصمیم‌گیرندگان در تلاش برای دستیابی به اهداف خود، از عقلانیت و منطق استفاده می‌کنند، اما درعین‌حال، محدودیت‌های ارزشی، آرمانی، شناختی و اطلاعاتی دارند.

در سطح دوم، تصمیم‌گیری از زاویه تصمیم‌گیری در نهاد و سازمان و بر اساس ضوابط مطرح می‌شود. این مدل سازمانی نشان می‌دهد تصمیم‌گیرندگان به‌طور کامل عقلانی عمل نمی‌کنند و ممکن است در محدوده‌های مختلف ادراک، توانایی تصمیم‌گیری و عقلانیت عمل کنند. این مدل به نام «عقلانی محدود» نیز شناخته می‌شود. به تعبیر دیگر، در بوروکراسی و نهاد سازمانی، فرض اصلی بر این است که تصمیم‌گیری در

سیاست خارجی تحت تأثیر ساختار و نهاد سازمانی و فرایندهای تصمیم‌گیری در دستگاه‌های دولتی پیاده‌سازی می‌شود (Allison G, 1999).

اما در سطح سوم، تصمیم‌گیری به عنوان یک فرایند پیچیده‌تر و گسترده‌تر در نظر گرفته می‌شود. در اینجا، تصمیم‌گیری به چارچوب قوانین و معیارهای رسمی سازمان محدود نمی‌شود و افراد درگیر سیاست شده و مسئولیت‌های خود را به‌طور فراتر از مقررات اجرائی انجام می‌دهند. نقش عواطف، احساسات و رفتار دفاعی و رقابت‌جویانه افراد در این مدل مورد تأکید قرار می‌گیرد. در حقیقت، این مدل که اصطلاحاً بازی‌های سیاسی نام دارد، مبتنی بر این فرض است که تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، تحت تأثیر رقابت میان بازیگران مختلف است (Allison G, 2004).

این مدل سه سطحی تصمیم‌گیری نشان می‌دهد که تصمیم‌گیری در واقعیت یک فرایند پیچیده است و نه تنها از جنبه‌های عقلانی بلکه از ابعاد اجتماعی و سیاسی نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد. همچنین این سه سطح دیدگاه‌های مختلفی را در مورد فرایند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ارائه می‌دهند. به عنوان نمونه مدل عقلانیت محدود، دیدگاه سنتی و کلاسیک در مورد تصمیم‌گیری را پوشش می‌دهد (Banhashemi, 2018). این مدل، فرض می‌کند تصمیم‌گیرندگان ممکن است نتوانند تمام گزینه‌های ممکن را در نظر بگیرند یا اطلاعات کافی برای ارزیابی دقیق گزینه‌ها نداشته باشند یا اینکه ارزش‌های آرمان‌گرایانه آنان بر تصمیمات اثر بگذارد. همچنین در مدل بوروکراسی و نهاد سازمانی، دیدگاه‌ها و نظریات واقع‌گرایانه در مورد تصمیم‌گیری نقش ایفا می‌کنند. این مدل فرض می‌کند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، تحت تأثیر ساختار نهادی و سازمانی و فرایندهای تصمیم‌گیری در دستگاه‌های دولتی است. به عنوان مثال، تصمیم‌گیرندگان ممکن است تحت تأثیر محدودیت‌های بودجه، جغرافیا، منابع، قدرت نظامی و... فرایند تصمیم‌گیری را اتخاذ کنند. در نهایت مدل بازی‌های سیاسی، دیدگاه پیچیده‌تری در مورد تصمیم‌گیری دارد. این مدل یک مدل ترکیبی بوده و فرض را بر این مبنا می‌گذارد که تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، تحت تأثیر رقابت میان بازیگران مختلف است. به عنوان مثال،

تصمیم‌گیرندگان ممکن است تحت تأثیر اقدامات بازیگران منطقه‌ای یا بین‌المللی یا تحت تأثیر منافع گروه‌های ذی‌نفع سیاسی داخلی قرار گیرند (Ehteshami, 2018).

بنابراین نظریه‌های تصمیم‌گیری آلیسون می‌تواند برای تحلیل سیاست خارجی ایران مورد استفاده قرار گیرد. می‌توان از این نظریه‌ها که در درون خود نظریه آرمان‌گرایی، واقع‌گرایی، رقابت داخلی و منطقه‌ای را دارند، برای تحلیل تصمیم‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در مورد جنگ با عراق، مذاکرات هسته‌ای، مسئله تحریم‌ها یا تصمیم‌گیری ایران در مورد بحران‌های منطقه‌ای استفاده کرد. به عنوان مثال، می‌توان از مدل نهادی و ساختاری برای تحلیل تصمیم‌گیری ایران در مورد تحولات خارجی دوره جنگ تحمیلی استفاده کرد (Allison & Zirakzadeh, 2015). این مدل می‌تواند به ما کمک کند تا درک کنیم که ایران، با توجه به اهداف خود، چه گزینه‌هایی را در نظر گرفته و چگونه این گزینه‌ها را ارزیابی کرده است. همچنین می‌توان از مدل بازی‌های سیاسی برای تحلیل تصمیم‌گیری ایران در مورد بحران‌ها و رقابت‌های منطقه‌ای استفاده کرد. این مدل می‌تواند به ما کمک کند تا درک کنیم تصمیم‌گیری جمهوری اسلامی ایران، تحت تأثیر چه فرایندهای تصمیم‌گیری قرار گرفته است (Chehabi, 1990).

نظریه‌های تصمیم‌گیری آلیسون نیز مانند هر نظریه دیگری خصوصاً در عرصه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل، دارای محدودیت‌هایی هستند. یکی از محدودیت‌های این نظریه‌ها، این است که فرایند تصمیم‌گیری را به صورت خطی و ساده‌شده نشان می‌دهند. در واقعیت، فرایند تصمیم‌گیری پیچیده‌تر از آن است که این نظریه‌ها نشان می‌دهند (Allison G, 1999).

به عنوان نمونه، در سطح عقلانیت محدود، تصمیم‌گیرندگان در تلاش برای دستیابی به اهداف خود، از عقلانیت و منطق استفاده می‌کنند، اما در عین حال محدودیت‌های ارزشی ذهنی هم دارند. این محدودیت‌ها ممکن است شامل موارد زیر باشند:

* عدم توانایی در درک کامل تمام گزینه‌های ممکن؛

* عدم دسترسی به اطلاعات کامل و دقیق؛

* عدم توانایی در پردازش اطلاعات به‌طور کامل و دقیق.

همچنین در سطح دوم یعنی بوروکراسی نهادی و سازمانی، تصمیم‌گیری تحت تأثیر ساختار و نهاد سازمانی و فرایندهای تصمیم‌گیری در دستگاه‌های دولتی قرار دارد. این عوامل شامل موارد زیر هستند:

* قوانین و مقررات نهادی و سازمانی؛

* منابع و بودجه نهادی و سازمانی؛

* منافع گروه‌های ذی‌نفع در ساختار و سازمان.

و در آخر در سطح سوم یعنی بازی‌های سیاسی، تصمیم‌گیری تحت تأثیر رقابت بین بازیگران مختلف قرار دارد. این بازیگران ممکن است شامل موارد زیر باشند:

* دولت‌ها؛

* سازمان‌های بین‌المللی؛

* گروه‌های ذی‌نفع؛

* افراد.

هرچند نظریه‌های تصمیم‌گیری گراهام آلیسون کمک می‌کند تا درک بهتری از فرایند تصمیم‌گیری داشته باشیم، ولی محدودیت‌های این نظریه‌ها را همان‌طور که اشاره شد نباید از نظر دور داشت. به تعبیر دیگر، این

نظریه‌ها بر اساس فرضیات خاصی هستند که ممکن است در همه موارد صادق نباشند. به عنوان مثال، فرضیه عقلانیت محدود ممکن است در مورد تصمیم‌گیرندگانی که تحت فشار زمان قرار دارند یا تصمیم‌گیرندگانی که اطلاعات کافی ندارند، صادق نباشد. اما در هر حال نظریات نشان می‌دهند که تصمیم‌گیری یک فرایند پیچیده است که تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد.

یافته‌ها و داده‌های پژوهش

زمینه‌های تاریخی آرمان‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی

انقلاب اسلامی در ایران، یکی از مهم‌ترین وقایع تاریخ معاصر بوده و نتایج آن تاکنون بر سیاست، اقتصاد، فرهنگ و جامعه^۱ ایران اثرات فراوانی بر جای گذاشته است. یکی از این اثرات تغییر و دگرگونی سیاست خارجی بوده است؛ در این میان آرمان‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، به عنوان یک زمینه تاریخی، در دوران پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ و تأسیس نظام جمهوری اسلامی به شکل رسمی وارد میدان سیاست خارجی شد. اما بستر و زمینه‌های تاریخی آرمان‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در دو دوره تاریخی زیر بررسی کرد:

دوره پیش از انقلاب: در دوره پیش از انقلاب، دو جریان فکری عمده در ایران وجود داشت: جریان اسلام‌گرایی و جریان ملی‌گرایی. جریان اسلام‌گرایی که ریشه در مکتب تشیع داشت، بر آرمان‌های اسلامی مانند عدالت، برابری و آزادی تأکید داشت. جریان ملی‌گرایی که ریشه در جنبش مشروطه داشت، بر استقلال ملی و توسعه اقتصادی تأکید داشت (Ehteshami, 2018). در این دوره، جریان اسلام‌گرایی در حال رشد و گسترش بود. این جریان، با استفاده از ابزارهای مذهبی، توانست به بخشی از مردم ایران، به‌ویژه جوانان

۱. تحولات فرهنگی و اجتماعی با تأکید بر اسلامی‌سازی جوامع و مؤسسات و تشکیل نظام حاکمیتی و تأسیس نهادهای اجرائی و قضائی.

را جذب کند. رهبران این جریان، مانند امام خمینی (ره)، بر آرمان‌های اسلامی مانند تشکیل حکومت اسلامی و صدور انقلاب اسلامی تأکید داشتند.

دوره انقلاب اسلامی: انقلاب اسلامی ایران که بر اساس آرمان‌های اسلامی صورت گرفت و منجر به تشکیل جمهوری اسلامی ایران شد. در ابتدا آرمان‌گرایی اسلامی به عنوان ایدئولوژی رسمی جمهوری اسلامی ایران مطرح شد (Entessar, 2000). این آرمان‌گرایی بر اساس اندیشه‌های امام خمینی (ره)، بر آرمان‌هایی مانند عدالت، برابری، آزادی، استقلال و صدور انقلاب اسلامی تأکید داشته و ریشه این آرمان‌گرایی در تاریخ اسلام نهفته بود.

در نتیجه این زمینه‌ها، آرمان‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، به عنوان یک ویژگی اساسی مطرح شده است. این آرمان‌گرایی بر اساس ارزش‌های اسلامی و انقلابی استوار بوده و تاکنون تأثیر قابل توجهی بر روابط خارجی جمهوری اسلامی داشته است (Pelletiere, 1992). اما در همین خصوص و بر بستر آرمان‌گرایی، چندین بُعد مهم می‌تواند مورد توجه قرار گیرد:

۱. مبارزه با استکبار جهانی: پس از انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران خود را مخالف سیاست‌های «استکبار جهانی»، به‌ویژه آمریکا و اسرائیل معرفی کرد. این مفهوم در ساختار ذهنی کارگزاران اسلامی به عنوان دشمن اصلی و تهدیداتی که از سوی این نهادها می‌آید، نقش مهمی ایفا کرده است. آرمان‌گرایی در این حوزه تأکید بر ایستادگی در مقابل فشارها و حفظ استقلال اقتصادی و سیاسی داخلی دارد.

۲. حمایت از جریان‌های اسلامی: جمهوری اسلامی ایران همواره به عنوان یک نهاد حامی جریان‌های اسلامی در منطقه و جهان شناخته شده است. این حمایت به شکل‌های مختلفی از جمله ارائه حمایت‌های معنوی، فرهنگی، رسانه‌ای و... (Mesbahi,

(2010)؛ همچنین ترویج ارزش‌های انقلاب اسلامی به صورت فراوان صورت گرفته است.

۳. دفاع از آرمان فلسطین: یکی از نقاط آرمایی در سیاست خارجی ایران، حمایت مستمر از حقوق فلسطینیان و محکومیت اشغالگری اسرائیل است. این موضوع به عنوان یک اصل اصیل در سیاست خارجی ایران مطرح شده و این کشور در فعالیت‌های بین‌المللی خود به عنوان یکی از برخوردارهای اصلی از دیدگاه اخلاقی و انسانی این مسئله معرفی می‌شود (Kamrava, 2019).

۴. آرمان‌گرایی اسلامی: اساساً نظام جمهوری اسلامی به عنوان یک نظام آرمان‌گرای، تمرکز خاصی بر اصول و ارزش‌های اسلامی دارد. این اصول به عنوان هدف اصلی در توسعه و تعیین سیاست‌های خارجی ایران نقش مهمی ایفا کرده و تلاش برای گسترش این اصول و ارزش‌ها به سطح جهانی مورد تأکید قرار گرفته است.

به‌طور کلی، آرمان‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نقش بسزایی در تعیین سیاست‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و برخوردهای این کشور با سایر اعضای جامعه بین‌المللی ایفا کرده است. این نظام آرمان‌گرا که از اصول و ارزش‌های اسلامی برخوردار است، تأثیراتی وسیع در ابعاد منطقه‌ای و جهانی ایجاد کرده و انقلاب اسلامی در ایران به عنوان یک پدیده جهانی مؤثر شناخته می‌شود. این اتفاقات نه تنها به عنوان واقعه‌های تاریخی، بلکه به عنوان عوامل تحول‌آفرین و تغییردهنده در دینامیک‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در نظر گرفته می‌شود (Tabatabai, 2020). در واقع، آرمان‌گرایی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، با تأکید بر اصول اسلامی و مبارزه با سیاست‌های دستیابی به همگانی و عدالت اجتماعی، به عنوان یک نهاد تغییردهنده در منطقه و جهان مطرح شده و این نهاد نه تنها در تعامل با کشورهای خاص بلکه به عنوان نماینده اصول اسلامی در روابط بین‌الملل به شدت تأثیرگذار است. از این رو، تغییرات و تحولاتی که به واسطه سیاست خارجی آرمان‌گرایانه ایران ایجاد می‌شود، به عنوان عوامل تغییردهنده در دینامیک‌های منطقه‌ای (مانند ارتباطات منطقه‌ای، تعاملات با کشورهای

همسایه و نقش در تعیین سیاست‌های منطقه‌ای) و بین‌المللی (مانند نقش در امور منطقه‌ای، تأثیر بر تعیین سیاست‌های جهانی و جایگاه در جامعه بین‌المللی) در نظر گرفته می‌شوند (Mirsepassi, 2007).

سیاست خارجی جمهوری اسلامی در قانون اساسی ترکیب ایدئولوژی‌های آرمان‌گرایانه و رویکردهای واقع‌گرایانه

قانون اساسی ج.ا.ا به عنوان میثاق ملی، چارچوب کلی سیاست خارجی کشور را ترسیم می‌کند. اصول متعددی در قانون اساسی وجود دارند که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به سیاست خارجی مرتبط هستند؛ اما این اصول ذکرشده ترکیبی از ایدئولوژی‌های آرمان‌گرایانه و رویکردهای واقع‌گرایانه را در بر می‌گیرد؛ به عنوان نمونه چند بند که به سیاست خارجی اشاره دارند عبارت‌اند از:

اصل سوم، بند شانزدهم: تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان.

در فصل دهم- سیاست خارجی:

اصل صدوپنجاه و دوم: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحابرب استوار است.

اصل صدوپنجاه و سوم: هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور شود، ممنوع است.

اصل صدوپنجاه و چهارم: جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه

دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.

اصل صدوپنجاهوپنجم: دولت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به کسانی که پناهندگی سیاسی بخواهند پناه دهد مگر اینکه بر طبق قوانین ایران خائن و تبهار شناخته شوند.

بنابراین ترکیب این اصول در قانون اساسی نمایانگر تعهدات و اهداف اصلی جمهوری اسلامی در دنیای خارج از مرزهای کشور است. از یک سو، جمهوری اسلامی به عنوان یک نظام دینی، اسلام را به عنوان رهنمود اصلی سیاست خارجی خود مطرح می‌کند. این ایدئولوژی آرمان‌گرایانه ممکن است از ترویج ارزش‌ها و اصول اسلامی در دنیا و حمایت از جریان‌ها و گروه‌های اسلامی در سایر کشورها برخوردار باشد. از سوی دیگر، در راستای تحقق اهداف ملی و حفظ منافع ملی کشور، جمهوری اسلامی نیز از رویکردهای واقع‌گرایانه بهره می‌برد. این شامل ارتقای روابط اقتصادی با دیگر کشورها، مذاکرات بین‌المللی و تطابق با واقعیت‌های جهانی به منظور تسهیل در حل مسائل بین‌المللی می‌شود. در نتیجه، تعیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی در قانون اساسی این کشور به‌طور کلی از این دو جنبه آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی تشکیل شده و متناسب با موقعیت‌ها و شرایط بین‌المللی تطور می‌یابد.

اهمیت و اثرات سیاست خارجی برای جمهوری اسلامی ایران

سیاست خارجی، به عنوان مجموعه‌ای از رفتارها، اهداف و اولویت‌ها به منظور تأمین منافع ملی کشورهاست. در حقیقت سیاست خارجی یکی از مهم‌ترین ابعاد سیاست هر واحد سیاسی در نظام بین‌الملل است. تعبیر دیگر آنکه سیاست خارجی به مجموعه اقدامات و تصمیماتی گفته می‌شود که یک کشور در روابط خود با سایر بازیگران نظام بین‌الملل انجام می‌دهد (Wright, 2010)؛ این اهمیت ویژه برای جمهوری اسلامی ایران به دلیل موقعیت سیاسی، جغرافیایی، تاریخی و نقش آن در منطقه و جهان است.

در همین مورد به برخی از جوانب و اهمیت سیاست خارجی برای جمهوری اسلامی ایران اشاره خواهد شد:

۱. حفظ امنیت ملی:

- تهدیدات منطقه‌ای: با توجه به وقوع جنگ ایران و عراق در دهه ۸۰ میلادی و تهدیدات امنیتی در منطقه در دهه‌های اخیر، سیاست خارجی ایران بر اساس حفظ امنیت ملی و مقابله با تهدیدات خارجی شکل گرفته است (Wright, 2010).

- تحقق استقلال و استقامت ملی^۱: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به منظور تحقق استقلال و استقامت ملی و مقابله با تبعیض‌ها و تحریم‌ها مطرح است. ایران تلاش می‌کند با برقراری همکاری‌های منصفانه با کشورهای دیگر، به اقتصاد مستقل و پایدار دست یابد.

۲. تأثیرگذاری در منطقه:

- تأثیرگذاری در دینامیک‌های منطقه‌ای: جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک نیروی منطقه‌ای تأثیرگذار به شمار می‌آید. سیاست خارجی ایران در جهت تقویت امنیت و پایداری در منطقه و ایجاد همکاری‌های منطقه‌ای تأکید دارد (Tabatabai, 2020).

- نقش برجسته در دفاع از جنبش‌های مبارز اسلامی: ایران به عنوان یک پیشوای جهان اسلام در ترویج اصول اسلامی و حمایت از جنبش‌های اسلامی در مناطق مختلف، نقش مؤثری را در سیاست خارجی خود ایفا می‌کند.

۳. مسائل هسته‌ای و توافقات بین‌المللی:

- پیشبرد اهداف هسته‌ای و فناوری‌های پیشرفته: جمهوری اسلامی ایران اهمیت بسیار زیادی به حقوق هسته‌ای و فناوری‌های پیشرفته اختصاص داده و توسعه این حقوق به عنوان یک اصل استراتژیک در سیاست خارجی جلب توجه دارد (Gause, 2005).

۱. تصمیم‌گیران در سیاست خارجی ایران سعی دارند تا در برابر تحریم‌ها و تبعیض‌ها انکار کنند و به دنبال حفظ استقلال و استقامت ملی هستند.

● تأثیر در امور بین‌المللی: بحران مسائل هسته‌ای و مشارکت در توافقات بین‌المللی مانند برجام، نشان از تأثیرگذاری جمهوری اسلامی ایران در امور بین‌المللی دارد (Allison & Zirakzadeh, 2015).

۴. اقتصاد و تجارت:

● روابط اقتصادی و تجاری با سایر کشورها: ارتقای روابط اقتصادی با دیگر کشورها، جهت توسعه اقتصادی داخلی و کسب منافع ملی.

۵. پیشگیری از تحریم و ایزوله‌شدن:

● تأثیر در پیشگیری از ایزوله‌شدن و تحریم‌شدن: به دلیل فشارهای بین‌المللی و تحریم‌ها، ایران نیازمند حفظ روابط خوب با کشورهای دیگر و پیشگیری از ایزوله‌شدن است (Joyner, 2016).

۶. حمایت از مسلمانان و مظلومان:

● حفاظت از مستضعفان و مظلومان: ^۱ سیاست خارجی ایران به عنوان یک نیروی مدافع حقوق مستضعفان در جهان مطرح می‌شود. ایران در راستای اصول اسلامی تلاش می‌کند تا در برابر سیاست‌ها و اقداماتی که به ضرر مستضعفان و مظلومان است، مقاومت کرده و از آنها حمایت کند (Woolley, 2009).

● نقش در حمایت از مسلمانان جهان: جمهوری اسلامی ایران با حمایت از مسلمانان در کلان‌ترین جنبه‌های سیاست خود، نقش مؤثری در جهان اسلام ایفا می‌کند.

● نمایندگی اصول و ارزش‌های اسلامی: ^۲ سیاست خارجی ایران نه تنها به عنوان نماینده ملت ایران در ارتباط با دیگر کشورها، بلکه به عنوان نماینده اصول اسلامی در ارتباط با جهان بیرون از مرزها شناخته می‌شود. این نمایندگی به تحقق اهداف اسلامی، مبارزه

^۱. تصمیمات سیاست خارجی ایران در جهت حمایت از مستضعفان و ایجاد تغییر در منطقه نشان از اهمال در مورد مسائلی مانند تضادها و نقاط ضعف در سیاست خارجی کشور دارد.

^۲. تصمیم‌گیران در سیاست خارجی ایران سعی دارند تا اصول اسلامی را در روابط بین‌المللی به مصونیت برسانند و تصمیمات خود را بر اساس این اصول بگیرند.

با سیاست‌های ظلم‌آمیز و حفظ حقوق بشر اسلامی مرتبط است (Nasr, 2006).

۷. تأثیر در شأن منطقه‌ای:

● تأثیرگذاری در مواضع منطقه‌ای: سیاست خارجی ایران تأثیرگذاری در تشکیلات منطقه‌ای همچون اتحادیه خلیج فارس، سازمان همکاری اسلامی و انجمن‌های دیگر دارد (Maloney, 2015).

سیاست خارجی برای جمهوری اسلامی ایران نه تنها ابزاری برای حفظ منافع ملی بوده بلکه موقعیت این کشور در جهان اسلام و بین‌الملل را تعیین می‌کند. از این رو، تدابیر و تصمیمات در این زمینه بر جهت حفظ امنیت، ترویج اصول اسلامی، توسعه اقتصادی و حضور فعال در امور بین‌الملل شکل می‌دهد.

تحولات تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس آرمان‌های اسلامی و انقلابی^۱ شکل گرفت. در دهه‌های اول پس از انقلاب، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای غربی، به ویژه ایالات متحده، روابط خصمانه‌ای داشت (Menashri, 1997)؛ در این دوره، جمهوری اسلامی ایران، به حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش و ضدامپریالیستی در سراسر جهان پرداخت. این پشتیبانی، شامل حمایت از گروه‌های مقاومت فلسطینی، گروه‌های مبارز در آمریکای لاتین و گروه‌های ضدامپریالیستی در آسیای جنوب شرقی بود. جمهوری اسلامی ایران، همچنین، به توسعه روابط با کشورهای پیرامون که با ایالات متحده مخالف بودند. این کشورها شامل کشورهای غیرمتعهد و کشورهای عربی مخالف اسرائیل بودند. اما این مسیر همواره دارای فراز نشیبی بوده است به شکلی که در دهه‌های اخیر، سیاست خارجی جمهوری

۱. یکی از مهم‌ترین آرمان‌های جمهوری اسلامی ایران، مقابله با استکبار جهانی است. این آرمان، در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به شکل‌های مختلفی نمود پیدا کرده است. یکی از آرمان‌های جمهوری اسلامی ایران، حمایت از مستضعفان و مظلومان جهان است.

اسلامی ایران، تغییراتی را تجربه کرده است. در این دوره، جمهوری اسلامی ایران، روابط خود را با کشورهای منطقه و جهان، به‌ویژه کشورهای آسیایی، گسترش داده است (Pelletiere, 1992). این گسترش روابط، شامل توسعه روابط تجاری، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی با کشورهای مختلف بود. همچنین در راستای این تعامل جمهوری اسلامی ایران، همچنین، به دنبال ارتباط با کشورهای غربی، به‌ویژه ایالات متحده، بر اساس منافع ملی خود بوده است. این تعامل، شامل مذاکرات هسته‌ای با گروه ۵+۱ و توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ بود.

تاریخ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، دوره‌ای از پرفرازونشیب‌ها را نمایان می‌کند که نتیجه‌ای از تأثیر آرمان‌های اسلامی و انقلابی در شکل‌گیری سیاست خارجی است. با این حال، این تاریخ همچنین به وضوح نشان‌دهنده فرایند تحول در تصمیم‌گیری از وضعیت آرمان‌محور به سوی واقع‌گرایی است. بر این اساس، می‌توان پنج مرحله اصلی را با استفاده از نظریه تصمیم‌گیری آلیسون برای توضیح این فرایند معرفی کرد.

۱. **تعریف مسئله:**^۱ در آغاز، کارگزاران تصمیم‌گیر در جمهوری اسلامی با تعریف مسئله‌ها و چالش‌های خارجی روبه‌رو شدند. در این مرحله، آرمان‌های انقلاب اسلامی و ایدئولوژی اسلامی بر تعیین اولویت‌ها و مسائل مهم تأثیر گذاشتند.
۲. **تعیین اهداف:**^۲ با توجه به تعریف مسئله، کارگزاران تصمیم‌گیر اهداف خود را برای سیاست خارجی تعیین کردند. این اهداف بیشتر به تحقق اهداف انقلاب اسلامی، حفظ امنیت ملی و ترویج ایدئولوژی اسلامی مرتبط بودند.
۳. **تصمیم‌گیری:**^۳ در این مرحله، کارگزاران تصمیم‌گیر با توجه به اهداف تعیین‌شده، تصمیمات خود را در زمینه‌های مختلف

1. Problem Definition

2. Goal Selection

3. Decision-Making

سیاست خارجی اجرا کردند. این تصمیمات عمدتاً تحت تأثیر متغیرهای ایدئولوژیک و امنیتی قرار گرفتند.

۴. **اجرا و عمل:**^۱ تصمیمات گرفته‌شده در مرحله قبل، به اجرا درآمدند. در این مرحله، جمهوری اسلامی به ارسال نمایندگان و ایجاد تبادلات با کشورهای دیگر پرداخت و سیاست‌های خود را در سطح بین‌المللی اعمال کرد.

۵. **ارزیابی:**^۲ در انتها، نتایج و اثرات سیاست‌های خارجی ارزیابی شدند. در این مرحله، ممکن است تصمیم‌گیران به تغییرات در سیاست خود بپردازند و تجربیات کسب‌شده را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند.

این پنج مرحله نشان‌دهنده تحول در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از زمان انقلاب اسلامی تا به امروز است که از آرمان‌محوری به سوی واقع‌گرایی در پنج مقطع مهم تاریخی پیش رفته است.

مقطع اول آرمان‌گرایی و ایدئولوژی (از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۰)

۱. **اهمیت اسلام به عنوان مبنای سیاست خارجی:** پس از انقلاب اسلامی در ایران در سال ۱۹۷۹، اسلام به عنوان مبنای اصلی و اساسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت. این تغییر نگرش در سیاست خارجی تأثیر بسزایی در ارتباطات بین‌المللی این کشور داشت. اسلام نه تنها به عنوان یک دین، بلکه به عنوان یک مبنای اخلاقی، اجتماعی و سیاسی مطرح شد که اهمیت خاصی به جنبه‌های انصاف، مساوات و عدالت در تعاملات بین‌المللی اختصاص داد.

۲. **بررسی حمایت از جریان‌های اسلامی در منطقه:** یکی از اصول اساسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی در دوره آرمان‌گرایی، حمایت فعال از جریان‌های اسلامی در مناطق مختلف جهان اسلام بود. این حمایت به عنوان

1. Implementation

2. Assessment

عنصر اصلی برای تحقق اهداف اسلامی و ایجاد اتحاد و همبستگی در جامعه اسلامی مطرح شد. نه تنها در سطح ملی بلکه در مقیاس بین‌المللی نیز، ایران تلاش کرد تا جریانات اسلامی را حمایت و تقویت کند تا تأثیرگذاری بیشتری در مسائل منطقه‌ای و جهانی داشته باشند (Kamrava, 2019).

۳. تأکید بر مخالفت با حکومت پیشین و تعیین نقش اسلام در تصمیم‌گیری: یکی از نکات برجسته در آرمان‌گرایی این دوران، مخالفت قاطع با حکومت پیشین بود. با تأکید بر اینکه این حکومت‌ها از دیدگاه اسلامی غیرقابل قبول بوده و با اصول انقلاب اسلامی در تضاد قرار داشتند، جمهوری اسلامی ایران نقش اساسی اسلام را در تصمیم‌گیری‌های داخلی و خارجی تأکید کرد. این تأکید به عنوان عنصر مهمی در تشکیل سیاست‌های خارجی ایران و ارتقای اسلام به عنوان یک اصل اساسی در تصمیم‌گیری‌های کلان دولتی ظاهر شد.

به این ترتیب، آرمان‌گرایی در دهه اولیه پس از انقلاب اسلامی، با استفاده از اسلام به عنوان راهبرد اصلی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را شکل داد و این دوران به عنوان یکی از دوره‌های مهم در تاریخچه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است (Katzman, 2009). در حقیقت در سال‌های اولیه پس از انقلاب اسلامی، آرمان‌گرایی به عنوان یکی از عوامل اساسی در تشکیل و شکل‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نقش بسیار مهمی ایفا کرد. در این دوره، اسلام به عنوان راهبرد اصلی و ایدئولوژی اساسی، بر تعیین اولویت‌ها، اهداف و راهبردهای سیاست خارجی ایران تأثیرگذار بود. به تعبیر دیگر آرمان‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی به معنای تلاش برای ترویج اهداف انقلاب اسلامی، حفظ استقلال و سیاست مستقل و تأثیرگذاری بر مسائل جهان اسلام بود. این دوره تاریخی، با تأکید بر اسلام و اصول انقلاب، توجه به مسائل اخلاقی و انسانی و هم‌جهت‌سازی با نظام‌ها و اتحادیه‌های بین‌المللی مبتنی بر اصول اسلامی را در سیاست خارجی ایران به ارمغان آورد.

آرمان‌گرایی در این دوران منجر به اقداماتی همچون تشکیل کنفرانس‌های اسلامی، حمایت از جنبش‌های انقلابی در مناطق مختلف جهان اسلام و تأسیس نظام‌های متفاوت از نظر اقتصادی و اجتماعی با تأکید بر اصول اسلامی شد. همچنین در روابط با قدرت‌های بزرگ، ایران به عنوان یک نهاد مستقل و با تأکید بر اصول اسلامی به تعامل پویا پرداخت. بنابراین، در سال‌های اولیه پس از انقلاب اسلامی می‌تواند به عنوان یکی از دوره‌های مهم و تعیین‌کننده در تاریخچه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تلقی شود که در آن آرمان‌گرایی و اسلام به عنوان ستون اصلی، سیاست خارجی این کشور را تحت تأثیر قرار داد.

مقطع دوم دوره جنگ ایران و عراق (از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸)

۱. **تأثیر جنگ بر تغییرات در سیاست خارجی: جنگ ایران و عراق (۱۹۸۸-۱۹۸۰)** تأثیرات عمیقی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران داشت. این جنگ، به عنوان یک امتحان سخت، سیاست‌های خارجی را تحت تأثیر قرار داد و تغییرات چشمگیری در راهبرد و اولویت‌ها از آرمان‌گرایی به سمت واقع‌گرایی به وجود آورد (Entessar, 2000).

۲. **نیاز به حفظ امنیت ملی و تأمین منافع ملی:** جنگ با عراق نیازمند حفظ امنیت ملی و تأمین منافع ملی ایران بود. تهدیدهای نظامی و امنیتی، ورود نیروهای بیگانه به مرزهای ایران و مخاطرات اقتصادی مرتبط با جنگ، جمهوری اسلامی را به اتخاذ تصمیمات در سیاست‌های خارجی متناسب با این شرایط و نیازها وادار کرد.

۳. **تحول در تفکر و اولویت‌ها به دنبال پایان جنگ:** پایان جنگ ایران و عراق و توقف مرزی در سال ۱۹۸۸، تغییرات مهمی در تفکرات و اولویت‌های سیاست خارجی ایران به همراه داشت. بر پایه تجربیات جنگ، جمهوری اسلامی ایران به دنبال ایجاد یک محیط ثابت و پایدار در منطقه بود و دیگر به دنبال توسعه جنگ نبود.

پایان جنگ ایران و عراق در دهه ۱۹۸۰ نه‌تنها بر جریان‌های داخلی این دو کشور تأثیر گذاشت، بلکه نیاز به بازنگری و تغییر در سیاست‌های خارجی نیز ایجاد کرد. این دوران تاریخی، چالش‌های امنیتی و اقتصادی زیادی را برای جمهوری اسلامی ایران به همراه داشت و در نتیجه، اساس تغییرات بسیار مهم در سیاست‌های خارجی این کشور گذاشت.

- اهمیت حفظ امنیت منطقه‌ای: پس از پایان جنگ، ایران به دنبال حفظ امنیت منطقه‌ای بود. چالش‌هایی که ناشی از جنگ به وجود آمده بودند، ایجاد کردند تا ایران به دنبال ایجاد استقرار و ثبات در منطقه باشد و تحولات منطقه‌ای را به سمت مثبت سوق دهد.

- ترویج دیپلماسی صلح‌آمیز: تغییرات در سیاست خارجی ایران پس از جنگ منجر به ترویج دیپلماسی صلح‌آمیز شد. جمهوری اسلامی تلاش کرد روابط خود با کشورهای منطقه و جهان را تقویت کند و از راه‌های دیپلماتیک به حل و فصل بحران‌ها و اختلاف‌ها پرداخته و در این زمینه تعهدات جدیدی به عنوان یک عنصر مهم سیاست خود اعلام کرد.

- افزایش همکاری‌های اقتصادی: جلب سرمایه‌گذاری و همکاری‌های اقتصادی با سایر کشورها به عنوان یک استراتژی اصلی در سیاست‌های خارجی ایران مورد توجه قرار گرفت. این روند، جهت‌گیری اقتصادی کشور را به سمت توسعه و تقویت ارتباطات اقتصادی با جوامع بین‌المللی معرفی کرد.

- تغییر استراتژیک: پس از جنگ، جمهوری اسلامی ایران تغییرات استراتژیکی در سیاست‌های خارجی خود اعمال کرد. این تغییرات شامل انطباق با چشم‌اندازهای جدید منطقه‌ای و بین‌المللی، بهبود روابط با کشورهای همسایه و ترویج دیپلماسی فعال در سطح جهانی بود (Siavoshi, 2018).

در مجموع، دوران جنگ ایران و عراق نه‌تنها نقشی بزرگ در شکل‌گیری سیاست‌های خارجی ایران ایفا کرد، بلکه نیاز به مواجهه با چالش‌های امنیتی

و اقتصادی این دوره، سبب تغییرات قابل توجهی در رویکردها و راهبردهای سیاست خارجی این کشور شد.

مقطع سوم پساجنگ تحمیلی و دهه ۹۰ (از سال ۱۹۸۸ تا اوایل سال ۱۹۹۸) (م)

۱. **تغییرات در سیاست خارجی به سمت واقع‌گرایی:** پس از پایان جنگ ایران و عراق، تغییرات چشمگیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به وقوع پیوست. این دوره با ورود به دهه ۹۰، با نام «پساجنگ» شناخته می‌شود. یکی از ویژگی‌های بارز این دوره، تحول از آرمان‌گرایی به سمت واقع‌گرایی بود.

۲. **تأکید بر توسعه اقتصادی و بازگشت به جامعه جهانی:** یکی از نخستین تغییرات در سیاست خارجی این دوره، تأکید بر توسعه اقتصادی و بازگشت به جامعه جهانی بود. دولت‌های این دوره از اسلامی‌سازی اقتصاد و جلب سرمایه‌گذاری‌های خارجی برای توسعه داخلی حمایت کردند (Maloney, 2015).

۳. **اعتنای بیشتر به تعامل با کشورهای دیگر:** سیاست خارجی ایران در دهه ۹۰، تمرکز بیشتری به تعامل با کشورهای دیگر داشت. این تعاملات عبارت بود از تجارت بیشتر، همکاری‌های اقتصادی و حضور فعال‌تر در ارتباطات بین‌المللی؛ بنابراین ایران سعی کرد نقش خود را به عنوان یک بازیگر مؤثر در صحنه بین‌المللی تقویت کند و ارتباطات خود را با جوامع بین‌المللی گسترش دهد.

این تغییرات نشان‌دهنده ترکیب متعادل‌تری از عناصر تصمیم‌گیری سیاست خارجی بوده که ایران در دهه ۹۰ تجربه کرد. هرچند در این دوره عناصر اصلی اسلامی نیز همچنان حفظ شدند، اما با تأکید بر واقعیت‌های توسعه اقتصادی و تعامل با کشورهای دیگر، یک تغییر اساسی در نگرش به سیاست خارجی ایران رخ داد. در واقعیت در دهه ۱۹۹۰، جمهوری اسلامی

ایران تحت تأثیر فشارهای اقتصادی، تحولات منطقه‌ای و نیاز به تعامل با جوامع بین‌المللی، تغییرات معنی‌داری در نگرش به تصمیم‌گیری در سیاست خارجی خود تجربه کرد. این تغییرات نشان‌دهنده یک ترکیب متعادل‌تر از عناصر مختلف در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بود.

- حفظ عناصر اسلامی: عناصر اسلامی به عنوان اصلی‌ترین ستون سیاست خارجی ایران حفظ شدند. اسلام به عنوان یک عامل مهم در تعیین اولویت‌ها، اهداف و تصمیمات در سیاست خارجی ادامه یافت. حمایت از جنبش‌های اسلامی در جهان، ترویج ارزش‌های اسلامی و حضور در نهادها و سازمان‌های بین‌المللی با محوریت اسلام ادامه داشت (Tabaar, 2020).

- توسعه اقتصادی: یکی از تغییرات اصلی در سیاست خارجی ایران در دهه ۹۰، تأکید بر توسعه اقتصادی و همکاری‌های اقتصادی با کشورهای دیگر بود. ایران تلاش کرد با جلب سرمایه‌گذاری، افزایش تبادلات تجاری و توسعه همکاری‌های اقتصادی، به توسعه اقتصادی داخلی و کاهش وابستگی به منابع نفتی بپردازد (Maloney, 2015).

- تعامل با کشورهای دیگر: دهه ۹۰ با تعامل بیشتر با جوامع بین‌المللی و کشورهای دیگر همراه بود. این تعامل شامل مذاکرات هسته‌ای، حضور در تشکیلات بین‌المللی و ترویج دیپلماسی فعال برای حل بحران‌ها و اختلافات بین‌المللی بود.

- انعطاف‌پذیری در تصمیم‌گیری: در مقابل چالش‌های جدید، ایران نشان داد که توانایی انعطاف‌پذیری در تصمیم‌گیری را دارد. این انعطاف‌پذیری به ایران این امکان را می‌دهد که به تغییرات در شرایط بین‌المللی و داخلی پاسخ دهد و سیاست‌های خود را تطبیق دهد.

به‌طور کلی، این دهه نماد یک تحول گسترده در سیاست خارجی ایران است که با حفظ عناصر اسلامی، تأکید بر توسعه اقتصادی و تعامل با کشورهای دیگر، یک نگرش متعادل و گسترده‌تر به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایجاد کرد.

بخش چهارم: دوره اصلاحات (از سال ۱۹۹۸)

۱. تأثیر اصلاحات در سیاست خارجی ایران: دوره اصلاحات در اواخر دهه ۹۰ و ورود به هزاره جدید، تأثیرات قابل توجهی در سیاست خارجی ایران داشت. این دوره تحولات چشمگیری را در سیاست خارجی به همراه داشت که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۲. تغییرات در تفکر درباره اقتصاد، توسعه و تعامل با دیگر کشورها:

- تحول در نگرش به اقتصاد: اصلاحات اقتصادی در داخل باعث شد تا ایران به دنبال تحقق اقتصاد باز و جلب سرمایه‌گذاری‌های خارجی باشد. توجه به اصلاحات اقتصادی و اشاعه تفکرات اقتصاد باز، تأثیر مستقیمی در سیاست‌های خارجی این کشور داشت.

- توسعه مداوم و تعامل با دیگر کشورها: در دوران اصلاحات، ایران به دنبال تعامل مداوم با کشورهای دیگر و شرکت فعال در ارتباطات بین‌المللی بود. توسعه تعاملات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی با جوامع جهانی نشان از تغییرات در سیاست خارجی ایران دارد.

۳. نقش جامعه جهانی و تأثیرات اقتصاد جهانی بر تصمیم‌گیری:

- اهمیت جامعه جهانی: توجه به اهمیت جامعه جهانی و شبکه‌های بین‌المللی به عنوان عناصر اساسی در سیاست خارجی افزایش یافت. این تغییر نگرش نشان‌دهنده این بود که ایران نه تنها در مسائل منطقه‌ای، بلکه در مسائل جهانی نیز نقش مؤثری دارد (Kamrava, 2019).

- تأثیرات اقتصاد جهانی: تغییرات در سیاست‌های اقتصادی و مشارکت فعال در اقتصاد جهانی، ایران را به سمت یک بازار باز و متقابل باز کرد. این تحول در تصمیم‌گیری‌ها، اهمیت اقتصاد جهانی را به تصمیمات سیاست خارجی ایران افزود.

در مجموع، دوره اصلاحات با تغییرات اساسی در نگرش به اقتصاد، توسعه و تعاملات بین‌المللی، سیاست خارجی ایران را به یک مرحله جدید هدایت کرد که نقش ملی و بین‌المللی این کشور را به‌طور قابل توجهی تغییر داد. دوره اصلاحات در جمهوری اسلامی ایران، با تغییرات اساسی در نگرش به اقتصاد، توسعه و تعاملات بین‌المللی، سیاست خارجی این کشور را به یک مرحله جدید و تحولی هدایت کرد. این دوره اصلاحات تأثیرات مهمی بر نقش ملی و بین‌المللی ایران گذاشت.

- **تغییر در نگرش به اقتصاد:** دوره اصلاحات با هدف بهبود و توسعه اقتصادی در ایران آغاز شد. این تغییرات شامل آزادسازی بخش‌های مختلف اقتصاد، جلب سرمایه‌گذاری خارجی، ترویج بخش خصوصی و اصلاحات در سیاست‌های مالی و اقتصادی بود. این تحولات در داخل، ایران را به سمت اقتصاد باز با توسعه بخش خصوصی هدایت کرد.

- **توسعه و تغییرات در تعاملات بین‌المللی:** دولت اصلاحات در ایران به توسعه تعاملات بین‌المللی پرداخت. این شامل مذاکرات هسته‌ای، تحقق توافق هسته‌ای و افزایش همکاری‌های اقتصادی با جوامع بین‌المللی بود. این تغییرات به ایران این امکان را داد که در ارتباطات بین‌المللی به عنوان یک نیروی تأثیرگذار شناخته شود (Rezaei, 2019).

- **تأکید بر توسعه و پیشرفت:** سیاست خارجی ایران در دوره اصلاحات با تأکید بر توسعه و پیشرفت در داخل، به دنبال توسعه همکاری‌ها و ارتقای اقتصادی بین‌المللی بود. ایران به عنوان یک بازار جذاب برای سرمایه‌گذاری و تجارت معرفی شد.

- **تغییرات در رفتار منطقه‌ای:** سیاست خارجی اصلاحات، تغییراتی در رفتار منطقه‌ای ایران را نیز به همراه داشت. این دوره شاهد تلاش‌های ایران برای حفظ امنیت منطقه‌ای، مذاکرات با کشورهای همسایه و توسعه همکاری‌های اقتصادی در منطقه بود (Mousavian, 2014).

بنابراین دوره اصلاحات به ایران امکان تعامل بیشتر با جهان و تحول در داخل را فراهم آورد و نقش ملی و بین‌المللی این کشور را به‌طور محسوسی تغییر داد.

بخش پنجم: تحولات منطقه‌ای (از سال ۲۰۱۱ به بعد)

۱. نقش ایران در تحولات پس از انقلاب‌های عربی:

- حمایت از جریان‌های اسلامی: پس از انقلاب‌های عربی، ایران نقش بسزایی در حمایت از جریان‌های اسلامی و انقلابی در کشورهای عربی ایفا کرد. این حمایت، بر اساس مبانی انقلاب اسلامی ایران و اصول اسلامی بر سرنوشت منطقه تأثیر گذاشت.
 - پایش تغییرات سیاسی: ایران به عنوان یکی از بازیگران کلان منطقه، با دقت به تغییرات سیاسی در کشورهای همسایه و پایش رویدادها، سعی در حفظ منافع ملی و تعیین سیاست‌های خارجی خود کرد.
- ### ۲. تأثیر این تحولات بر سیاست خارجی ایران:

- تقویت روابط با محور مقاومت: تحولات پس از انقلاب‌های عربی، ایران را به تقویت روابط با محور مقاومت (از جمله سوریه و حزب‌الله)^۱ سوق داد. این روند نقش مهمی در تصمیمات اتخاذشده سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در این دوره داشت.
- تغییر در تعامل با دیگر کشورها: افزایش تنش‌ها با برخی از کشورهای منطقه، همچون عربستان سعودی و تحول در روابط با کشورهای دیگر، از جمله روسیه و چین، نشان از تغییر در تعاملات بین‌المللی ایران دارد (Hunter, 2018).

۱: افزایش تنش‌ها با برخی از کشورهای منطقه، به ویژه عربستان سعودی، ایران را به تقویت روابط با محور مقاومت و همچنین کشورهای نظیر سوریه و حزب‌الله سوق داد.

۳. تعامل با مسائلی همچون برنامه هسته‌ای و تحریم‌ها:

- توافق هسته‌ای و تحریم‌ها: امضای توافق هسته‌ای (برجام) در سال ۲۰۱۵ و لغو برخی از تحریم‌ها، ایران را به یک مرحله جدید در تعاملات بین‌المللی هدایت کرد (Banihashemi, 2018). این توافق همچنین تأثیرات زیادی بر روی تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی ایران داشت و نقش مهمی در تغییر تعاملات با جامعه جهانی ایفا کرد.

- تعامل با مسائل منطقه‌ای: تعامل با مسائل منطقه‌ای، از جمله برنامه هسته‌ای و حضور در جنبش‌های منطقه‌ای (مانند حماس و حزب‌الله)، همچنان نقشی اساسی در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی ایران دارد (Mohammadighalehtaki, 2021).

با این تغییرات و تحولات، سیاست خارجی ایران در دوران تحولات منطقه‌ای از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و در واقع جمهوری اسلامی ایران در این دوران نقش مهمی در جهت‌دهی به تغییرات سیاسی و ایجاد تعادل در منطقه داشته است. لذا تحولات منطقه‌ای پس از انقلاب‌های عربی ۲۰۱۱ نقش بسزایی در تعیین سیاست خارجی ایران داشته است.

جمع‌بندی

مقاله حاضر به بررسی تحولات تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون پرداخت و دوره‌های مختلف تاریخی را مدنظر قرار داد و نقاط کلیدی‌ای که اثرات خود را بر تغییرات در سیاست خارجی ایران بر جای گذاشته‌اند بررسی کرده است. در واقع پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به‌طور جدی تحت تأثیر آرمان‌گرایی اسلامی قرار گرفت. این ایدئولوژی به عنوان ستون اصلی سیاست خارجی تا حد زیادی تا سال‌های اوج جنگ ایران و عراق ادامه یافت. اما با گذر زمان و تغییرات در شرایط داخلی و بین‌المللی، تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ایران از آرمان‌گرایی به سمت واقع‌گرایی

تحول یافته است. بنابراین تحول در تصمیم‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از آرمان‌گرایی تا واقع‌گرایی، نتیجه تأثیرات گسترده در داخل و خارج کشور بوده است. تغییرات در اولویت‌ها، شرایط منطقه‌ای و تحولات جهانی، ایران را به یک بازیگر برجسته در صحنه بین‌المللی تبدیل کرده است.

لذا از آنجایی که مدل تصمیم‌گیری گراهام آلیسون بیشتر به توضیح تصمیم‌گیری در مواقع بحرانی و پیچیده معروف است، در زمینه تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌توان این مدل را به شکل زیر تفسیر کرد:

نخست، آرمان‌گرایی: در مواقعی که مسائل سیاست خارجی ایران تحت تأثیر آرمان‌ها و اصول انقلاب اسلامی قرار دارد، تصمیم‌گیرندگان ممکن است به عنوان انسان عقلانی باشند که تحت تأثیر آرمان‌ها و ایدئولوژی اسلامی تصمیم می‌گیرند. این ممکن است در مواقعی باشد که اصول انقلاب و آرمان‌های اسلامی به عنوان معیارهای اصلی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی مطرح شوند. به تعبیر دیگر در مواقع بحرانی و تصمیم‌گیری پیچیده، تصمیم‌گیرندگان ممکن است تحت تأثیر آرمان‌ها و اصول انقلاب اسلامی قرار گیرند. آرمان‌ها می‌توانند به عنوان راهنمای اصلی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی عمل کنند.

دوم، واقع‌گرایی: در شرایط بحرانی و پیچیده، تصمیم‌گیرندگان ممکن است بیشتر به سمت واقع‌گرایی حرکت کنند. مدل آلیسون نشان می‌دهد در مواقع بحرانی، تصمیم‌گیرندگان به دلیل پیچیدگی و تأثیر عوامل مختلف، تصمیماتی را اتخاذ می‌کنند که ممکن است با اصول و آرمان‌ها همخوانی نداشته باشند و بیشتر به تحلیل وضعیت‌های واقعی و پیشامدها توجه کنند. به عنوان مثال، در دوران جنگ ایران و عراق، مسائل سیاست خارجی به شدت تحت تأثیر جنگ و شرایط بحرانی قرار داشت. در این شرایط، تصمیم‌گیرندگان ممکن است از مدل واقع‌گرایی بیشتر بهره‌مند شده و تصمیماتی را با توجه به چالش‌ها و شرایط واقعی اتخاذ کرده باشند؛ حتی اگر با برخی اصول آرمان‌گرایی مغایرت داشته باشد. بنابراین هنگامی که شرایط

بحرانی و پیچیده پیش می‌آید، تصمیم‌گیرندگان ممکن است به سمت تحلیل واقعیت‌های شرایط بروند. حتی اگر با آرمان‌ها همخوانی نداشته باشد، تصمیم‌گیرندگان ممکن است به سمت واقع‌گرایی متمایل شوند.

سوم، تصمیم‌گیری داخلی: این مدل نشان می‌دهد که تصمیم‌گیرندگان در محدوده‌ای از زمینه‌ها ادراک از آلترناتیوها و توانایی تصمیم‌عقلانی را دارند. این با نظریه تصمیم‌گیری داخلی در سیاست خارجی مرتبط است.

چهارم، نظریه منطقه‌گرایی: این مدل نشان می‌دهد تصمیم‌گیری در یک سیاق گسترده‌تر اتفاق می‌افتد. اینجا سطح سیاست‌مداری بوروکراتیک و نقش انسانی در تصمیم‌گیری مورد تأکید قرار می‌گیرد. همچنین اهمیت عواطف، احساسات و رفتار رقابت‌جویانه در سیاست خارجی بررسی می‌شود.

این تبیین نشان می‌دهد مدل گراهام آلیسون می‌تواند به‌طور هم‌زمان با مفاهیم آرمان‌گرایی، واقع‌گرایی، تصمیم‌گیری داخلی و نظریه منطقه‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قابل تبیین باشد. لذا تبیین نظریه گراهام آلیسون را با توجه به تقسیم‌بندی پنج‌گانه مقاطع زمانی مختلف در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند این‌گونه در چارچوب توضیحات و جدول شماره ۲ بیان کرد:

جدول شماره ۲. تقسیم‌بندی پنج‌گانه مقاطع زمانی مختلف در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

موضوعات اصلی	نظریه یا چارچوب نظری	دوره زمانی
اهمیت اسلام به عنوان مبنای سیاست خارجی، حمایت از جریان‌های اسلامی در منطقه، مخالفت با حکومت‌های پیشین و	آرمان‌گرایانه	۱۹۷۹- ۱۹۸۰

تعیین نقش اسلام در تصمیم‌گیری.		
تأثیر جنگ ایران و عراق بر تغییرات در سیاست خارجی، نیاز به حفظ امنیت ملی و تأمین منافع ملی، تحول در تفکر و اولویت‌ها به دنبال پایان جنگ.	واقع‌گرایی	۱۹۸۰- ۱۹۸۸
تغییرات در سیاست خارجی به سمت واقع‌گرایی، تأکید بر توسعه اقتصادی و بازگشت به جامعه جهانی، اعتنای بیشتر به تعامل با کشورهای دیگر.	واقع‌گرایی	۱۹۸۸- ۱۹۹۷
تأثیر اصلاحات در سیاست خارجی ایران، تغییرات در تفکر درباره اقتصاد، توسعه و تعامل با دیگر کشورها، نقش جامعه جهانی و تأثیرات اقتصاد جهانی بر تصمیم‌گیری.	تصمیم‌گیری داخلی	از سال ۱۹۹۸
نقش ایران در تحولات پس از انقلاب‌های عربی، تأثیر این تحولات بر سیاست خارجی ایران، تعامل با مسائلی همچون برنامه هسته‌ای و تحریم‌ها.	منطقه‌ای/ خاورمیانه	از سال ۲۰۱۱ به بعد

* آرمان‌گرایی و انقلاب: در دهه اولیه پس از انقلاب اسلامی، آرمان‌گرایی با استفاده از اسلام به عنوان راهبرد اصلی، سیاست خارجی ایران را شکل داد. این دوران به عنوان یک مرحله مهم در تاریخچه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رفت.

*واقع‌گرایی و تحولات در دوره جنگ: پس از پایان جنگ ایران و عراق، نیاز به بازنگری سیاست‌های خارجی به وجود آمد. در این دوره، اولویت‌ها به سمت حفظ امنیت منطقه‌ای، ترویج دیپلماسی صلح‌آمیز و افزایش همکاری‌های اقتصادی با سایر کشورها متمرکز شد.

*تحولات در دهه ۹۰ و توازن متعادل: در دهه ۹۰، سیاست خارجی ایران تحولاتی را تجربه کرد که نشان‌دهنده ترکیب متعادل‌تری از عناصر اسلامی و واقع‌گرایی بود. عناصر اصلی اسلامی حفظ شدند، اما با تأکید بر توسعه اقتصادی و تعامل با کشورهای دیگر، تغییرات اساسی در نگرش به سیاست خارجی ایران رخ داد.

*دوره اصلاحات و تعاملات بین‌المللی: دوره اصلاحات با تغییرات اساسی در نگرش به اقتصاد، توسعه و تعاملات بین‌المللی،^۱ سیاست خارجی ایران را به یک مرحله جدید هدایت کرد. این تحولات نقش ملی و بین‌المللی کشور^۲ را به‌طور قابل توجهی تغییر داد.

*نقش جمهوری اسلامی ایران در تحولات منطقه‌ای (از ۲۰۱۱ به بعد): تحولات پس از انقلاب‌های عربی باعث شدند که سیاست خارجی ایران در دوران تحولات منطقه‌ای نقش مهمی در جهت‌دهی به تغییرات سیاسی و ایجاد تعادل در منطقه داشته باشد. ایران نقش بسزایی در حمایت از جریان‌های اسلامی، پایش تغییرات سیاسی، تعامل با محور مقاومت، تغییر در تعامل با دیگر کشورها و مداوا با مسائل منطقه‌ای داشته است.

به‌طور کلی، تاریخچه سیاست خارجی ایران نشان‌دهنده تحولات زیادی است که از دینامیسم و پیچیدگی در تصمیم‌گیری‌ها و راهبردها در دولت‌های مختلف ناشی شده‌اند و تحلیل بر اساس مدل تصمیم‌گیری گراهام آلیسون

۱. تعاملات بین‌المللی و تغییرات در سیاست خارجی تأثیرات عمیقی بر اقتصاد، جامعه و سیاست داخلی ایران داشته است؛ افزایش تعاملات با جامعه جهانی و راهبرد اقتصاد باز، به تحولات مثبت در بخش اقتصادی کشور کمک کرده است.

۲. تحولات در سیاست خارجی نقش مهمی در تحولات سیاسی و اجتماعی ایران ایفا کرده و تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری‌های داخلی بوده است.

نشان می‌دهد سیاست خارجی ایران از آرمان‌گرایی تا واقع‌گرایی، تحت تأثیر گسترده‌ای از عوامل داخلی و خارجی تحول یافته است. این تغییرات، با توجه به شرایط زمانی و شرایط محیطی مختلف، نقش ایران را به عنوان یک بازیگر در صحنه منطقه‌ای و بین‌المللی تعیین کرده است.

فهرست منابع

۱. احمدیان، قدرت و س. بنی‌اشرف (۱۳۹۸)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تحقیقات سیاسی و بین‌المللی شماره ۳۸.
۲. ازغندی، سیدعلیرضا (۱۳۸۸)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، قومس.
۳. اطاعت، جواد (۱۳۹۲)، ایران و نظام بین‌الملل، تهران، علم.
۴. ایزدی، بیژن (۱۳۸۶)، درآمدی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، مؤسسه بوستان کتاب.
۵. باقری دولت‌آبادی، علی (۱۴۰۰)، سیاست خارجی ایران، تهران، تیسا.
۶. دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۹۱)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران اصولگرایی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
۷. رمضانی، روح‌اله (۱۳۸۸)، چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر نی.
۸. نبوی، عبدالامیر و فیروزه رادفر (۱۳۹۳)، تحلیل گفتمانی تأثیر فرهنگ سیاسی بر روابط خارجی ایران در دوره پهلوی دوم (۱۳۳۲-۱۳۴۲)، فصلنامه دانش سیاسی، شماره ۱۹.

English

9. Allison, G. (1999), *Essence of Decision: Explaining the Cuban Missile Crisis*, Longman.
10. Allison, G. (2004), *Nuclear Terrorism The Ultimate Preventable Catastrophe*, Times Books.

11. Allison, R & Zirakzadeh, C (2015), **Russia, Iran and the Nuclear Question: The Putin Record**, London, Oxford Research Encyclopedia of Communication.
12. Banihashemi, S. T (2018), Iran's Nuclear Policy: From Confrontation to Negotiation, **The Journal of International Relations Research**.
13. Chehabi, H. E. (1990), **Iran's Foreign Policy: Ideology and Pragmatism in the Islamic Republic**, London, Cambridge University Press.
14. Ehteshami, A (2011), **Iran and the International System**, london, Routledge.
15. Ehteshami, A (2018), Iran's Foreign Policy in the Post-Khamenei Era, **Middle East Journal**.
16. Entessar, N (2000), Iran's Foreign Policy Since 1979: A Review Article, **Asian Affairs**.
17. Gause, F. G (2005), Iran's nuclear ambition: motivations, strategic culture, and impact, **Middle East Policy**.
18. Hunter, S. (2010), **Iran's Foreign Policy in the Post-Soviet Era: Resisting the New International Order**, USA-Westport, Praeger.
19. Hunter, S. T (2018), **Iran's Foreign Policy: From Khatami to Rouhani**, London, Routledge.
20. Joyner, D. H (2016), **Iran's Nuclear Program and International Law: From Confrontation to Accord**, london, Oxford University Press.
21. Juneau, T (2013), **Iranian Foreign Policy Since 2001 (Alone in the World)**, London, United Kingdom: Routledge.

22. Kamrava, M. (2019), Iran's Evolving Regional Foreign Policy: Changes, Challenges and Consequences, **Middle East Journal**.
23. Katzman, K (2009), **Iran's Foreign Policy**, Congressional Research Service.
24. Maloney, S (2015), **Iran's Political Economy since the Revolution**, London, Cambridge University Press.
25. Menashri, D. (1997), **The Evolution of Iranian Foreign Policy**, London, Routledge.
26. Mesbahi, M. (2010), **The Foreign Policy of Iran: Ideology and Pragmatism**, London, Routledge.
27. Mirsepassi, A (2007), **Iran and the Challenge of Diversity: Islamic Fundamentalism, Aryanist Racism, and Democratic Struggles**, Palgrave Macmillan.
28. Mohammadighalehtaki, A (2021), **Iran's Foreign Policy: Between Resistance and Diplomacy, Strategic Analysis**.
29. Mousavian, S. H. (2014), **Iran and the United States: An Insider's View on the Failed Past and the Road to Peace**, Michigan, University of Michigan Press.
30. Nasr, S. V (2006), **Iran's Long Reach: Iran as a Pivotal State in the Muslim World**, Washington, The Washington Institute.
31. Pelletiere, S. C (1992), **The Iran-Iraq War: Chaos in a Vacuum**, Praeger.
32. Rezaei, F (2019), **Iran's Nuclear Program: A Study in Proliferation and Rollback**, Palgrave Macmillan.

33. Siavoshi, S (2018), **Iran's Foreign Policy in the Post-Soviet Era: Resisting the New International Order**, London, Routledge.
34. Tabaar, M. A (2020), **Iran's Foreign Policy Amidst Regional Turmoil**. Brookings Institution, Retrieved from.
35. Tabatabai, A (2020), **Iran's Foreign Policy: The End of the Rouhani Era**, Carnegie Endowment for International Peace. Retrieved from.
36. Woolley, P (2009), **Understanding Iran: History, Geography, and Politics**, Toronto, The University of Toronto Press.
37. Wright, R (2010), **The Iran Primer: Power, Politics, and U.S. Policy**, US, United States Institute of Peace.

